

از دواج و طلاق

«شرحی بر فصل پنجم کتاب عشق و زندگی»

مهدی حاج محمد حسینی

با مقدمه

حجت الاسلام والمسلمین علی مجتبی‌وی قوچانی

نام کتاب: ازدواج و طلاق
شرحی بر فصل پنجم کتاب عشق و زندگی
مؤلف: مهدی حاج محمد حسینی
ناشر: مؤسسه انتشاراتی جمال هنر

نظارت فنی و امور چاپ: سعید قونسوری، محمد امیری

طراح جلد: محمدعلی کشاورز

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۸۴-۷۴-۸

تهران، خیابان انقلاب

خیابان منیری جاوید (اردیبهشت شمالی)

بین خیابان روانمهر و

خیابان لیانی نژاد، پلاک ۴۰

تلفن: ۶۶۴۸۸۴۷۱، ۶۶۴۸۸۵۲۱

۰۹۱۲۵۴۷۰۴۱۰، ۰۹۱۲۶۱۸۰۸۳۹

دورنگار و پیام گیر: ۶۶۴۶۲۵۱۴

قونسوری - امیری

www.jamalthonar.com

سرشناسه: حاج محمد حسینی، مهدی، ۱۳۵۵ -

عنوان قرارداد: عشق و زندگی، برگزیده شرح

عنوان و نام پدیدآور: ازدواج و طلاق، شرحی بر فصل پنجم کتاب عشق و زندگی

مهدی حاج محمد حسینی: با مقدمه علی دجتری قونسوری

مشخصات نشر: تهران: جمال هنر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شابک: 978-964-6884-74-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر فصل پنجم کتاب "عشق و زندگی" اثر نویسنده است.

عنوان دیگر: شرحی بر فصل پنجم کتاب عشق و زندگی.

موضوع: قرآن - مسائل متفرقه

موضوع: زنشنویسی (اسلام) - جنبه‌های قرآنی

موضوع: زنان دو قرآن

شناسه افزوده: مجتبی قوچانی، علی، مقدمه نویس

شناسه افزوده: حاج محمد حسینی، مهدی، ۱۳۵۸ - عشق و زندگی، برگزیده، شرح

رده بندی کنگره: (۱۳۹۱) ۶۵۰/۲۳ ج ۶۵/۱ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۱۳۳۴۱

فهرست مطالب

۱۳	 مقدمه
۱۷	 مقدمه مؤلف
۲۱	 ۱- مقررات همخوابگی با زنان
۲۱	 ۲- ازدواج با چه کسانی حرام یا ممنوع است؟
۲۳	 ۳- زیبایی زن
۲۵	 ۴- عادت ماهانه زنان
۲۵	 ۵- اخلاق جنسی
۳۴	 ۶- پیش قدمی در رابطه جنسی با همسر
۳۴	 ۷- انواع سوگند:
۳۷	 ۸- آشتی و سازش میان همسران:
۴۱	 ۹- بحث طلاق:
۴۶	 ۱۰- عده:
۴۷	 ۱۱- پوشیده نکردن حاملگی در هنگام طلاق
۴۷	 ۱۲- اموالی را که به زنان تحت هر عنوانی داده‌اید پس نگیرید مگر اینکه در به یا داشتن حدود خدا بی‌مناک باشید
۴۹	 ۱۳- تجاوز از حکم الهی در خصوص ازدواج و طلاق
۵۱	 ۱۴- فدیة زن برای طلاق و رهایی (بخشیدن مهریه)

- ۱۵- چگونگی ازدواج مجدد پس از طلاق سوم ۵۱
- ۱۶- آزار همسر / کیفیت روابط زن و مرد ۵۲
- ۱۷- جلوگیری نکردن از ازدواج مجدد با همسر سابق ۵۴
- ۱۸- تبعات اجرای حدود الهی در خصوص ازدواج و طلاق ۵۴
- ۱۹- شیر دادن به بیچه: ۵۵
- ۲۰- تامین خوراک و پوشاک برعهده مرد (نفقه) ۵۹
- ۲۱- زیان ندیدن به سبب فرزند ۶۰
- ۲۲- وارث و احکام ازدواج و طلاق ۶۱
- ۲۳- زودتر از شیر گرفتن ۶۱
- ۲۴- دایه و فرزند ۶۲
- ۲۵- خواستگاری در زمان عده ۶۲
- ۲۶- توصیه به قول و قرار پنهانی نگذاشتن مگر آنکه سخنی پندیده بگوید ۶۲
- ۲۷- مال دادن به زن هنگام طلاق ۶۴
- ۲۸- مهریه: ۶۴
- ۲۹- بزرگواری در خصوص پرداخت یا گذشت از مهریه ۶۸
- ۳۰- وصیت برای بهره‌مند شدن مالی زن تا یک سال پس از فوت شوهر ۶۸
- ۳۱- پدر خوانده و فرزند خواندگی ۶۹
- ۳۲- سرپرست و کفیل ۶۹
- ۳۳- ترتیب فرزند از ناحیه خدا ۷۰
- ۳۴- نازایی ۷۲
- ۳۵- حاملگی بدون رابطه جنسی ۷۲

- ۳۶- فروختن پیمان خدا و سوگندهای خود به بهای ناچیز با شکستن سوگند ۷۳
- ۳۷- مرد و زن از یکدیگرند/ آفریده شدن زن و مرد از «نفس واحد» ۷۶
- ۳۸- درخواست ازدواج ۷۷
- ۳۹- ازدواج با دختران یتیم ۷۸
- ۴۰- تعداد همسران ۷۹
- ۴۱- رفتار به عدالت میان همسران ۸۱
- ۴۲- بازگرداندن مال یتیمان به آنان در سن زناشویی به شرط رشد فکری ۸۲
- ۴۳- ارث بردن از همسر ۸۲
- ۴۴- رفتار شایسته با همسران ۸۳
- ۴۵- مطلوب نبودن همسر از نظر شما ۸۳
- ۴۶- پاکدامنی و زناکار نبودن ۸۴
- ۴۷- طلب زن بوسیله اموال ۸۶
- ۴۸- متعه یا به تعبیر شیعه ازدواج موقت ۸۶
- ۴۹- ازدواج با کنیز ۸۷
- ۵۰- اجازه خانواده کنیز برای ازدواج با وی ۸۷
- ۵۱- نیمی از مجازات زنا و زناي بدون مجازات در خصوص کنیزان ۸۷
- ۵۲- آیا صبر در انتخاب همسر بهتر است؟ ۸۷
- ۵۳- خدا در خصوص ازدواج و طلاق توضیح می‌دهد ۸۸
- ۵۴- مردان سرپرست زناتند ۸۹
- ۵۵- ویژگی‌ها و رفتار همسر (زن) شایسته ۹۰
- ۵۶- ویژگی‌های مرد شایسته برای ازدواج ۹۰

- ۵۷- چگونگی رفتار با زنان نافرمان ۹۱
- ۵۸- بیم از طلاق ۹۲
- ۵۹- تعیین داور از خانواده‌های هر دو طرف ۹۳
- ۶۰- بخل (بیگذشت بودن) در نفوس در اختلافات میان زن و شوهر ۹۳
- ۶۱- سازش؛ نیکی و پرهیزکاری ۹۴
- ۶۲- گشایش روزی پس از طلاق / پروا از خدا در خصوص احکام ازدواج و طلاق ۹۴
- ۶۳- ازدواج با چه کسانی حلال است؟ ۹۶
- ۶۴- شک در خصوص احکام ازدواج و طلاق ۹۸
- ۶۵- کفاره شکستن سوگند ۹۸
- ۶۶- پاس داشتن سوگندها ۹۹
- ۶۷- سپاسگزاری: ۱۰۰
- ۶۸- آرامش از طریق همسر ۱۰۲
- ۶۹- آمیزش جنسی و حاملگی ۱۰۲
- ۷۰- شرک پس از فرزند آوردن با غفلت از یاد خدا ۱۰۶
- ۷۱- چه کسانی سوگند می‌شکنند؟ (ویژگیهای سوگند شکنان) ۱۰۷
- ۷۲- فرزنددار شدن در پیری و با وجود نازایی: ۱۰۸
- ۷۳- پسران و نوادگان از همسران ۱۱۰
- ۷۴- مثل کسانی که سوگند می‌شکنند: ۱۱۱
- ۷۵- ازدواج زناکار با زناکار یا مشرک ۱۱۱
- ۷۶- همسر دادن غلامان و کنیزان درستکار ۱۱۲
- ۷۷- گشایش روزی پس از ازدواج ۱۱۲

- ۷۸- عفت ورزی تا زمان توانمند شدن ۱۱۳
- ۷۹- حجاب: ۱۱۳
- ۸۰- کمتر شدن تمایل و یا حتی عدم تمایل نسبت به ازدواج ۱۱۷
- ۸۱- ازدواج ۱۱۷
- ۸۲- همسران پیامبر و رفتارهایی متناسب با شأن آنان ۱۱۹
- ۸۳- حضرت محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست. ۱۲۳
- ۸۴- ممنوعیت ازدواج با زنان پیامبر پس از فوت وی ۱۲۳
- ۸۵- ازدواج با زنان مهاجر ۱۲۳
- ۸۶- کتیز از غنیمت جنگی و دین مومنی که خود را به پیامبر بخشیده ۱۲۳
- ۸۷- حضور در بهشت با همسران ۱۲۴
- ۸۸- حاملگی و شیر دادن جمعاً سی ماه است یا سی و سه ماه ۱۲۵
- ۸۹- شکایت از شوهر نزد خدا ۱۲۵
- ۹۰-ظهار با زنان و کفاره آن ۱۲۶
- ۹۱- آزمایش زن قبل از ازدواج ۱۲۷
- ۹۲- متمسک نشدن به پیوندهای قبلی کافران در خصوص ازدواج ۱۲۷
- ۹۳- باز پس دادن هر آنچه شوهران کافر یا مومن خرج زنان مهاجر یا فراری کرده‌اند ۱۲۷
- ۹۴- پرداخت هزینه‌های زنان فراری از محل غنیمت جنگی ۱۲۸
- ۹۵- فتنه‌گری و نیرنگ و وسوسه و خیانت و خبرکشی و همدستی زنان ۱۲۸
- ۹۶- گواه دو مرد بر طلاق ۱۳۲
- ۹۷- بیرون نکردن زنان در زمان عده مگر اینکه فحشا کنند ۱۳۳
- ۹۸- دادن خرجی تا زمان وضع حمل برای زن در حال طلاق ۱۳۳

- ۹۹- شیربها ۱۳۴
- ۱۰۰- زن ذیلی (حرام کردن حلال خدا برای خشنودی زنان) ۱۳۴
- ۱۰۱- زنان کافر ۱۳۵
- ۱۰۲- زنان مومن و پاک دامن ۱۳۶
- ۱۰۳- زنارزاده ۱۳۷
- ۱۰۴- ادعاهای بدون اخذ سوگند از خدا ۱۳۹
- ۱۰۵- از حد گذارنیدن در تعدد زوجین ۱۳۹
- ۱۰۶- کافران جز پلیدکار ناپیاسی ندارند و دیگران را همراه می‌کنند ۱۴۰
- ۱۰۷- اثر پدر و مادر بر فرزند ۱۴۰
- ۱۰۸- علم خدا نسبت به آنچه در رحم‌هاست ۱۴۱
- ۱۰۹- زنان و فرزندان برای پیامبران ۱۴۲
- ۱۱۰- دعا برای فرزنددار شدن ۱۴۳
- ۱۱۱- نومید نشدن از رحمت خدا در خصوص فرزند آوردن حتی در پیری و با وجود نازایی ۱۴۴
- ۱۱۲- آمیزش یاجوج و ماجوج با مردم ۱۴۴
- ۱۱۳- سقط بیجه از ترس ۱۴۴
- ۱۱۴- مراحل شکل‌گیری انسان ۱۴۵
- ۱۱۵- فرزند سالم و ناقص ۱۴۶
- ۱۱۶- کودکی و پرورش کودک ۱۴۶
- ۱۱۷- مرگ در سن پایین و مرگ در پیری همراه با ال‌زایمر (فراموشی) ۱۴۹
- ۱۱۸- بهتان زدن ۱۴۹
- ۱۱۹- روزه سکوت برای حفظ راز فرزنددار شدن بدون شوهر ۱۵۰

- ۱۲۰- فرزند با برکت ۱۵۰
- ۱۲۱- ویژگی‌های فرزند شایسته ۱۵۱
- ۱۲۲- فرزند پاک ۱۵۱
- ۱۲۳- اثر سلامت خانواده بر فرزند ۱۵۱
- ۱۲۴- سخن گفتن کودک در گهواره ۱۵۲
- ۱۲۵- نبوت از کودکی ۱۵۳
- ۱۲۶- بیوه و دوشیزه باکره ۱۵۳
- ۱۲۷- جهاد با زنان افشاگر راز ۱۵۳
- ۱۲۸- بوجود آمدن هر چیزی از آب ۱۵۴
- ۱۲۹- زنان و زیورها ۱۵۴
- ۱۳۰- مردان و پاکدامنی ۱۵۶
- ۱۳۱- کودک نور چشم / چشم روشن شدن ۱۵۶
- ۱۳۲- تهی شدن دل مادر از نبود فرزند ۱۵۷
- ۱۳۳- بازگشت فرزند ۱۵۷
- ۱۳۴- تعیین جنسیت ۱۵۷
- ۱۳۵- فرشتگان را مادینه پنداشتن و پرستیدن آنها ۱۵۸
- ۱۳۶- نکشتن فرزندان ۱۵۹
- ۱۳۷- زنا نکردن ۱۶۰
- ۱۳۸- دشمنی بعضی از فرزندان و همسران ۱۶۰
- ۱۳۹- یانگی ۱۶۱
- ۱۴۰- پاکی نفس از ابتدای خلقت ۱۶۱

- ۱۴۱- پس گرفتن اموال از زنان در چه صورتی ممکن است؟ ۱۶۱
- ۱۴۲- پرهیز از ازدواج ۱۶۲
- ۱۴۳- زایمان ۱۶۲
- ۱۴۴- زنا و دزدی ۱۶۳
- دزدی: ۱۶۸

www.ketab.ir

مقدمه

قرآن کریم کلام رب العالمین است و کتاب آسمانی مسلمین کامل‌ترین کتاب قانون که مشتمل بر معارف الهی و تمام حقایق مورد نیاز جامعه انسانی است. رسول اکرم (ص) که این ودیعه الهی بر قلب منور حضرتش القا گردیده، از آن به عنوان ثقل اکبر تعبیر فرموده و بر مسک به آن در کنار ثقل کبیر (اهل بیت عصمت) که از هر چیز اکبر است مگر از ثقل اکبر مطلق است تاکید فرموده است.

حدیث شریف ثقلین را حدیث متعدد دیگری که در رابطه با قرآن و بهره‌مندی از این اقیانوس بی‌کران معارف از ناحیه مقام شامخ ختمی مرتبت و ائمه معصومین (ع) وارد و بیان شده بیانگر منزلت رفیع قرآن و مقام و جایگاه عظیم آن کتاب الهی است. قرآن کریم معجزه جاودانه خداوند رحمان در دستان خاتم الانبیا حضرت محمد ابن عبدالله (ص) است و برهان قاطع و روشنی است و عدالت با نزول قرآن پایان یافته است..

قرآن خاتم کتب آسمانی است «و تمت کلمه ربک صدقاً و عدلاً»، آیات صدق و عدل آسمانی را که راهنمای راستی و عدالت است با نزول قرآن پایان یافته است. و حقیقتاً قرآن مثل و مانندی ندارد، رساترین بیان در عالم خلقت است و به دلیل ربانی بودن از نظر موسیقی و وزن لفظی، در لغات و جملاتش بی‌نظیر است. وزنش نه وزن شعر است نه نثر، بلکه هر دو و برتر از هر دو است، وزن و لفظ آن به گونه‌ای تناسب و انسجام دارد گویی معناهایش در آن تجسم یافته است در توان غیر خدا

نیست مثلش را بیاورد برای اثبات این حقیقت قرآن تمام جن و انس را به مبارزه طلبیده و فرموده اگر می‌تواند مثل و مانند آن را بیاورید، اسامی قرآن، از جمله امتیازاتش این است که چه اسم‌های خود قرآن و چه اسم‌هایی که قرآن برای اشخاص برای شهرها معین کرده است، دارای معانی خاص و مناسب با مسمایش می‌باشد. مثل الله، اله، رحمن، رحیم، اسما ذات، اسما صفات، اسما فعل که تماماً هم از نظر لفظی، اشاره و علامت است و هم از نظر معنوی، سایر اسما قرآن که حدود چهل اسم در قرآن آمده است، از جمله: کتاب، قرآن، فرقان، مبین، بیان، تبیان، برهان، عظیم، عزیز، کریم، صراط مستقیم، حکم، ذکر، موعظه، نور، روح، مبارک، نعمت، بصائر، رحمت، حق، فصل، هادی، شفا، هدی، تنزیل، مهین، قیوم، بشیر، نذیر، حدیث، نجوم، جبل، مثانی و...

از این رو هرگونه انس با قرآن چه فرائد یا تلاوت آن و چه مطالعه و تدبر و تفکر در آن و چه حفظ و کتابت آن، کاری فوق‌العاده است و از ارزش فراوانی برخوردار است. اهتمام رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به قرآن و کتابت و حفظ آن از همان صدر اسلام موجب شد که بسیاری از مسلمین به این امر مهم اهتمام گمارند و کتاب وحی و حفاظ قرآن در همه ادوار تاریخ اسلام ظهور کنند.

و تنزل من القرآن ما هو شفا و رحمه للمومنین و لایزید الظالمین الا خساراً
و نازل کردیم از قرآن آنچه را که او شفا و رحمت است برای مومنین و نمی‌افزاید
ستمکاران را مگر زیان و خسارت.

حضور در قرآن و کسب راز و رمزهای آن، کار هر کس نیست و این امر در اختیار خاصان درگاه الهی است که از سرچشمه عصمت آب نوشیده‌اند، اما نمی‌توان دست روی دست گذاشت زیرا اگر هم چنین حضوری میسر نباشد، می‌توان بر گسترده ۸

علوم و معارف قرآن نشست و قطره‌ای زلال از جاری قرآن چشید و دل و جان را با آن نوازش داد.

وجود انسان‌های مختلف با استعدادهای گوناگون، مانند جوی‌ها و نهرها و رودخانه‌هایی است که هر یک به اندازه سعه وجودی خود از آب باران پر می‌شوند. آیات قرآنی با خیرات و برکاتی که دارند، مانند باران رحمت الهی است که باید هر کسی مطابق استعدادها و شایستگی‌های خود از آن برخوردار باشد و آن باران پر فیض را در خود جریان بدهد.

فرزانگان و متفکران بزرگی در طول چهارده قرن کنار این سفره گسترده الهی نشسته‌اند و هرکس به اندازه فهم و درک خود از آن تغذیه کرده‌اند و بهره‌ها برده‌اند. مهم اینست که انسان در خود احساس نیاز کند و هرچه این احساس شدیدتر باشد، دسترسی به معارف و علوم قرآنی آسانتر خواهد بود؛ اما هنوز هم این سفره پر خیر و برکت باز است و هر کس باید مطابق استعداد خود از آن استفاده نماید.

آب کم جو تشنگی آور بدست با بجوشد آبت از بالا و پست

آری همنشینی با قرآن و گوش جان سپردن به نوای آن، معرفت و بصیرت انسان را بالا می‌برد و سبب می‌شود که انسان از آیات دلنواز آن بهره‌برگیرد و در فضای عطراگین قرآنی نفس بکشد. قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است و هر مسلمانی موظف است تا حد توان در شناخت مفاهیم این کتاب ارزشمند بکوشد. در این نوشتار جناب آقای حسینی تلاش و کوشش فراوان نموده است تا بخشی از آقیانوس بیکران کلام الهی را در قالب نکات جالب و آموزنده با سبکی نوع و بدیع تنظیم و مورد استفاده همگان قرار دهد تا لذت بهره بردن از آن را با خوانندگان محترم تقسیم نماید.

امید است مطالعه این نوشتار و برگ‌هایی که به سبب وجود آیات قرآن نورانی شده است بتواند استفاده‌کنندگان از آن را با گوشه کوچکی از اقیانوس بیکران قرآن آشنا نماید و آنان را مصداق این کلام حضرت امام صادق (ع) قرار دهد که فرمود: خداوند قلبی را که با قرآن آشنایی دارد عذاب نمی‌کند. انشاءالله تعالی

حجت‌الاسلام والمسلمین

علی مجتوی قوچانی

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

این کتاب شرحی بر بخش پنجم از کتاب «عشق و زندگی» یعنی بحث «ازدواج و طلاق» می‌باشد.

دیدگاه مؤلف در این کتاب صرفاً قرآنی است و هدف این نبوده است که شرایط روز دنیا یا جامعه ایرانی در نظر گرفته شود.

واقعیت این است که بزرگانی که برای یک جامعه سیاست گذاری و برنامه‌ریزی صحیح و دلسوزانه می‌کنند باید شرایط روز را در نظر بگیرند اما مؤلف به دو دلیل شرایط روز را در نظر نگرفته است:

۱- اینکه بحث‌های زیادی آگاهانه یا ناآگاهانه در خصوص «ازدواج و طلاق» به صورت رسمی یا غیر رسمی صورت می‌گیرد که گوینده برای تایید گفته‌های خود به پاره‌ای از آیات اشاره می‌کند و طبیعی است که برچسب زدن بعضی آیات و نادیده گرفتن بعضی از آیات دیگر، انسان را به نتیجه‌گیری غلط هدایت می‌کند. پس مؤلف سعی داشته که ابتدا مخاطب با دیدگاه خداوند در قرآن نسبت به موضوع «ازدواج و طلاق» آشنا شود و سپس اظهار نظر نماید.

۲- مؤلف بر این اعتقاد بوده و هست که وقتی یک موضوع مثل «ازدواج و طلاق» و یا هر موضوع دیگری بر اساس یک سری ارزش‌های عقیدتی طراحی و ارائه می‌شود، یک به هم تنیدگی در بین دستورات آن موضوع و احکام وجود دارد که اگر یک بخشی از آن احکام را بدون در نظر گرفتن تبعات و روابط آن بخش‌های دیگر تغییر

دهیم، نتایج ناگواری برای خود و جامعه به بار می‌آوریم و تغییر بعضی از ابعاد یک موضوع که بر اساس ارزش‌های عقیدتی می‌باشد نیاز به دانش زیادی دارد.

همچنانکه خداوند متعال در آیه ۷ سوره آل عمران می‌فرماید:

هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشبهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشبه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون امنا به کل من عند ربنا و ما یدکر الا اولوا الالباب

در آیه فوق فرموده شده است که:

تأویل آیات متشابه را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی‌داند.

و در پایان آیه فرموده شده است که:

جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود و این بدین معناست که تنها خردمندان هستند که درک می‌کنند که تأویل آیات و تفسیر آیات با در نظر گرفتن شرایط روز تنها از عهده دانشمندان بر می‌آید.

زندگی قرآنی به استناد آیات به این شرح بوده است که مهریه و نفقه بر عهده مرد بوده است ولی در مقابل سرپرستی و حق طلاق و چند همسری هم ویژه مرد بوده است.

امروزه تغییرات زیادی در شیوه زندگی انسان‌ها نسبت به گذشته به وجود آمده است که بخشی از این تغییرات به واسطه تغییر نوع نگاه به زندگی است و بخشی نیز تحت فشار شرایط و ساختارها و هیاهوی رسانه‌هاست.

بخشی از این تغییرات واقعی است (مانند اشتغال زنان امروزی، بیمه زنان و حقوقی که بعد از فوت مرد به این زن تعلق می‌گیرد) و بخشی از این تغییرات در

نتیجه تغییر دیدگاه‌هاست. آن بخشی از تغییرات که واقعی است و ارتباط زیادی به نوع نگاه و دیدگاه من مولف و یا شمایی که خواننده هستید، ندارد تغییراتی است که یک نمونه از آن به شرح زیر توضیح داده شده است:

۱- بحث «عده»: دیدگاه قرآن این است که زن بیوه باید ۴ ماهه عده نگه دارد و یکی از علل مهم این موضوع بحث «حاملگی» بوده است تا مشخص شود که اگر بچه‌ای به وجود آمده مربوط به شوهر سابق است یا روابط و شوهر جدید؟ هرچند که ممکن است دلایل دیگری همچون هضم و حذف روابط عاطفی با شوهر سابق و آماده شدن ذهنی و روحی برای ازدواج مجدد و همچنین دلایل دیگر را نیز دربرگیرد. عده‌ای می‌گویند چرا با وجود وسایل تکنولوژیک جدید که قادر به شناسایی حاملگی در زیر ۴ ماهگی است بایستی همچنان ۴ ماهه عده نگه داشت.

حال به نظر شما کدام پاسخ درست است؟

۱- باید همچنان عده طبق فرموده خدا در قرآن ۴ ماه باشد.

۲- با وجود وسایل پزشکی جدید نیاز به نگه داشتن عده نیست.

نظر شما چیست؟ نظر شما هر کدام از دو پاسخ بالا که باشد، پاسخ کاملاً صحیحی را بر نگزیده‌اید زیرا اطلاعات شما کافی نبوده بلکه ۲ پاسخ فوق فقط بخشی از واقعیات قرآنی و اجتماعی امروز می‌باشد. حال اگر موضوع زیر را به اطلاعات قبلی اضافه کنید چه نظری خواهید داشت؟

اطلاعات بیشتر به شرح زیر:

با توجه به بیماری‌های مقاربتی همچون ایدز، هپاتیت، سوزاک و غیره و با توجه به آخرین اطلاعات پزشکی، حداقل زمان لازم برای تشخیص بیماری‌ای همچون ایدز آن هم از طریق آزمایش خون حداقل ۶ ماه باید از آخرین رابطه جنسی بگذرد.

حالا به نظر شما باید عده حداقل ۶ ماه باشد؟

و به نظر شما عده فقط به زنان محدود می‌باشد؟

قصدم از توضیح فوق این نبود که عده باشد یا نباشد و یا ۴ ماه باشد و یا ۶ ماه باشد، بلکه قصدم این بود که توضیح دهم حتی تفسیر یک موضوع به ظاهر ساده همچون عده آن هم بدون توجه به روابط و تبعات آن با دیگر بخش‌های موضوع «ازدواج و طلاق» چه قدر نیاز به دانش قرآنی و دانش روز دنیا دارد و این تنها از عهده دانشمندانی بر می‌آید که بهره‌ای از هر دو علم قرآنی و علم بشری برده‌اند هرچند که اظهار نظر توسط دیگران، زنگ‌هایی را در گوش دانشمندان به صدا در می‌آورد.